

تعاون، سال بیستم، شماره ۲۰۸ و ۲۰۹، آبان و آذر ۱۳۸۸

**بررسی راهکارهای افزایش سهم بخش تعاون در اقتصاد کلان با تأکید بر
اصل ۴۴ قانون اساسی
مطالعه موردی استان کهگیلویه و بویراحمد**

دکتر حسین استادی^۱، شاهرخ حبیبی^۲

چکیده

خصوصی‌سازی یکی از مهمترین عناصر اصلی برنامه اصلاح ساختاری و کاهش اندازه دولت در کشورهای در حال توسعه است. در اقتصاد ایران نیز با توجه به سیاستهای کلی مبتنی بر اصل ۴۴ قانون اساسی، واگذاری شرکتهای دولتی به بخشهای خصوصی و تعاونی با تأکید بر افزایش سهم بخش تعاون در مبحث خصوصی‌سازی، در دستور کار قرار گرفته است. هدف این تحقیق بررسی راهکارهای افزایش سهم بخش تعاون در اقتصاد کلان با توجه به مبحث خصوصی‌سازی اصل ۴۴ قانون اساسی می‌باشد. روش تحقیق از نوع پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه است. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پرسشنامه براساس مطالعه مقدماتی، برابر ۰/۸۸۱ به دست آمد که پایایی و اعتبار بالای ابزار اندازه‌گیری

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان
e-mail: dr.ostadi@gmail.com

۲. کارشناس ارشد رشته مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

در این پژوهش را نشان می‌دهد. جامعه آماری پژوهش شرکتهای تعاونی فعال در سطح استان کهگیلویه و بویراحمد می‌باشد. حجم نمونه از روش کوکران محاسبه شده است و روش نمونه‌گیری از نوع تصادفی طبقه‌بندی شده می‌باشد. داده‌های گردآوری شده با استفاده از روشهای آماری توصیفی و استنباطی همچون آزمون t تک‌نمونه‌ای، آزمون t مستقل و تحلیل واریانس در محیط نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردیده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که توانمندسازی تعاونیها برای رقابت با سایر بخشها به منظور تصدی طرحهای بزرگ و زیربنایی و همچنین اولویتها و حمایتهای قانونی دولت از بخش تعاون و نیز ایجاد تعاونیهای منطقه‌ای و فراگیر براساس مزیت‌های نسبی برای تصدی طرحها و بنگاه‌های قابل واگذاری، در افزایش سهم بخش تعاون در مبحث خصوصی سازی مؤثر است.

کلیدواژه‌ها:

بخش تعاون، خصوصی سازی، اصل ۴۴ قانون اساسی، کهگیلویه و بویراحمد

مقدمه

از میان مباحث متعددی که طی چند دهه اخیر در حوزه اقتصاد مطرح شده است، بحث خصوصی سازی اهمیت قابل ملاحظه‌ای دارد. فرایند خصوصی سازی از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ به سرعت افزایش یافت. این فرایند در کشورهای در حال توسعه، اغلب در چارچوب سیاستهای «تثبیت» و «تعدیل» صورت گرفته است. اقتصاد ایران نیز در این تغییر و تحولات، سیاستهای مختلفی را با توجه به شرایط کشور به بوته آزمایش گذاشته و اخیراً نیز بحث اجرای مفاد اصل ۴۴ قانون اساسی به دنبال ابلاغ سیاستهای کلی آن اهمیت بیشتری یافته است. اصل ۴۴ قانون اساسی نیز نظام اقتصادی کشور را به سه بخش دولتی و خصوصی و تعاونی تقسیم می‌نماید، اما در عمل هیچ تناسبی بین سهم این سه بخش در اقتصاد کنونی ایران وجود

ندارد به گونه‌ای که بخش دولتی بسیاری از فعالیتهای اقتصادی را در اختیار گرفته و دیگر بخشها به ویژه بخش تعاون، سهم ناچیزی در این فعالیتها دارند (رستم‌نژاد، ۱۳۸۴). با ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ و تصویب لایحه قانونی اجرای آن مقرر گردید، سهم بخش تعاون تا پایان برنامه پنجم توسعه به ۲۵ درصد برسد؛ البته دستیابی به این هدف نیازمند تدوین برنامه‌های جامع و عملیاتی، حمایت‌های دولت و شناسایی ظرفیتهای و قابلیت‌های بخش تعاون می‌باشد. بخش تعاون به عنوان یکی از بخشهای مطرح در اصل ۴۴ و با توجه به ماهیت تعاونیها (که براساس ارزشهایی همانند خودیاری، مسئولیت‌پذیری و برابری شکل گرفته‌اند و در کلیه عملیات خود مسئولیت اجتماعی را نادیده نمی‌گیرند) می‌تواند با تعمیم مالکیت، زمینه گسترش عدالت اجتماعی را به عنوان یکی از اهداف این اصل فراهم نماید. تعاون به عنوان نماد مشارکت عمومی در توسعه فراگیر، جزء ارکان اصلی اقتصاد در قانون اساسی کشور ایران است و در مقایسه با دو رکن قانونی دیگر (بخش دولتی و بخش خصوصی) از توانمندیها و ظرفیتهای بیشتر برای تحرک چرخهای اقتصادی برخوردار است (کاظمی، ۱۳۸۶، ۴).

در این تحقیق سعی شده است با جستجو در منابع مطالعاتی و با کمک صاحب نظران و مدیران تعاونیها، راهکارهایی برای افزایش سهم بخش تعاون از طریق گسترش فرایندهای خصوصی‌سازی، توانمندسازی تعاونیها برای رقابت با سایر بخشها و اولویتهای و حمایت‌های دولت ارائه گردد. قلمرو مکانی تحقیق شامل شرکتهای تعاونی فعال در سطح استان کهگیلویه و بویراحمد می‌باشد.

استان کهگیلویه و بویراحمد یکی از استانهای زیبای ایران در دامنه زاگرس است که جاذبه‌های متعدد و چشم نواز طبیعی و ارزشمند تاریخی دارد. جمعیت این استان در حدود ۷۰۰ هزار نفر و مهمترین فعالیت اقتصادی مردم، کشاورزی و دامپروری و صنایع دستی می‌باشد که مورد اخیر از رونق خوبی برخوردار است. بخش تعاون نیز در این استان توانسته است جایگاه مناسبی به خصوص در بخش کشاورزی، دامپروری و صنایع دستی داشته باشد به گونه‌ای که با توجه به ناتوانی بخش خصوصی در تأمین سرمایه لازم برای انجام فعالیتها و طرحهای

بزرگ و کوچک اقتصادی، عملاً بخش تعاون با گردآوری سرمایه‌های کوچک افراد و با استفاده از حمایت‌های دولت و اداره کل تعاون استان نقش مهمی در رونق و شکوفایی اقتصاد منطقه داشته است. تعداد تعاونی‌های فعال استان ۱۰۷۴ تعاونی می‌باشد که ۱۸۹۱۱۴ زن و مرد را در عضویت خود دارند. در جدول ۱ ترکیب تعاونی‌های استان برحسب بخش فعالیت نشان داده شده است.

جدول ۱. ترکیب تعاونی‌های استان کهگیلویه و بویر احمد برحسب بخش فعالیت

بخش فعالیت	تعداد	درصد
کشاورزی	۳۸۵	۳۵/۸۵
صنعت	۱۷۲	۱۶/۰۱
معدن	۲۸	۲/۶۱
خدمات	۲۶۲	۲۴/۴۰
مسکن	۷۱	۶/۶۱
مصرف	۶۵	۶/۰۵
عمرانی	۲۸	۲/۶۱
حمل و نقل	۳۳	۳/۰۷
سایر (تعاونی‌های اعتبار، چندمنظوره و صنایع دستی)	۳۰	۲/۷۹
مجموع	۱۰۷۴	۱۰۰

مأخذ: اداره کل تعاون استان کهگیلویه و بویر احمد

فرضیه‌های تحقیق

۱. توانمندسازی تعاونی‌ها برای رقابت با سایر بخشها به منظور تصدی طرح‌های بزرگ و زیربنایی قابل واگذاری، در افزایش سهم بخش تعاون در خصوصی سازی مؤثر است.

۲. اولویتها و حمایت‌های قانونی دولت از بخش تعاون برای تصدی طرحها و بنگاه‌های قابل واگذاری، در افزایش سهم بخش تعاون در خصوصی‌سازی مؤثر است.
۳. ایجاد تعاونی‌های منطقه‌ای و فراگیر براساس مزیت‌های نسبی برای تصدی طرحها و بنگاه‌های قابل واگذاری، در افزایش سهم بخش تعاون در خصوصی‌سازی مؤثر است.

روش تحقیق

متغیر وابسته در این تحقیق، افزایش سهم بخش تعاون در خصوصی‌سازی (از طریق تصدی طرحها و بنگاه‌های قابل واگذاری) می‌باشد و متغیرهای مستقل شامل توانمندسازی تعاونیها برای رقابت با سایر بخشها، ایجاد تعاونیهای منطقه‌ای و فراگیر براساس مزیت نسبی مناطق، اولویتها و حمایت‌های قانونی دولت از بخش تعاون است. جامعه آماری پژوهش، شرکتهای تعاونی فعال استان کهگیلویه و بویراحمد شامل ۱۰۷۴ تعاونی می‌باشد. روش تحقیق مورد استفاده از نوع پیمایشی و از شاخه تحقیقات میدانی می‌باشد و به منظور گردآوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز در این تحقیق از پرسشنامه بی‌نام با طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای استفاده شده است که در آن مدیران تعاونیها مورد پرسش قرار گرفته‌اند و نظر آنان درباره متغیرها و فرضیه‌های تحقیق جمع‌آوری گردیده است. روایی ابزار اندازه‌گیری با روش محتوا بررسی گردیده و بر اساس مطالعه مقدماتی، ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۸۱ محاسبه شده که مبین قابلیت اعتماد و پایایی بالای ابزار اندازه‌گیری در این مطالعه است. برای تعیین حجم نمونه از روش کوکران استفاده شده و پس از برآورد مقادیر p و q ($p = ۰/۷۷۸$) و $q = ۰/۲۲۲$ ، حجم نمونه برابر ۲۱۳ تعیین گردیده است. در این پژوهش، داده‌های آماری گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS پردازش و به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از شیوه‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده گردیده است. روشهای آماری مورد استفاده عبارتند از: آزمون t تک نمونه‌ای، آزمون t مستقل و تحلیل واریانس.

نتایج و بحث

در این بخش ابتدا هر یک از فرضیه‌های تحقیق با استفاده از شیوه‌های آماری استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و سپس دیدگاه پاسخگویان در خصوص فرضیه‌های تحقیق با توجه به مشخصات فردی آنها بررسی و مقایسه می‌شود.

۱. آزمون فرضیه‌های تحقیق

براساس نتایج آزمون t تک نمونه‌ای در جدول ۲، فرضیه‌های تحقیق در سطح کاملاً معنی‌داری ($P = 0/001$) مورد تأیید قرار گرفته‌اند. به عبارت دیگر، توانمندسازی تعاونیها، اولویتها و حمایتهای قانونی و ایجاد تعاونیهای منطقه‌ای و فراگیر براساس مزیت‌های نسبی برای تصدی طرحها و بنگاه‌های قابل واگذاری، در افزایش سهم بخش تعاون در خصوصی‌سازی مؤثرند.

جدول ۲. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای فرضیه‌های تحقیق

$\mu = 3$			انحراف معیار	میانگین	حجم نمونه	فرضیه
سطح معنی‌داری	درجه آزادی	آماره t				
۰/۰۰۱	۲۰۹	۲۸/۱۷	۰/۵۸	۴/۱۳	۲۱۰	فرضیه اول
۰/۰۰۱	۲۰۵	۲۷/۷۹	۰/۵۱	۳/۹۹	۲۰۶	فرضیه دوم
۰/۰۰۱	۲۰۹	۸/۹۹	۰/۷۱	۳/۴۴	۲۱۰	فرضیه سوم

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۲. مقایسه دیدگاه مدیران تعاونی (پاسخگویان) در مورد فرضیه‌های تحقیق

۱.۲. مقایسه دیدگاه پاسخگویان بر مبنای رشته تحصیلی (مرتبط و غیر مرتبط)

جدول ۳ نشان می‌دهد بین دیدگاه مدیران تعاونی در مورد توانمندسازی تعاونیها در رقابت با سایر بخشها، اولویتها و حمایتهای قانونی از بخش تعاون و ایجاد تعاونیهای منطقه‌ای و فراگیر براساس مزیت‌های نسبی برای تصدی طرحها و بنگاه‌های قابل واگذاری برحسب مرتبط‌بودن رشته تحصیلی آنان تفاوت معنی‌داری در سطح ۵٪ وجود دارد و مدیرانی که رشته

تحصیلی مرتبط با فعالیت تعاونی خود داشته‌اند، دارای دیدگاه مثبت‌تری در مورد فرضیه سوم بوده‌اند.

جدول ۳. آزمون t مستقل در مورد فرضیه‌های تحقیق بر حسب مرتبط بودن رشته تحصیلی با

فعالیت تعاونی

فرضیه	وضعیت	حجم نمونه	میانگین	انحراف معیار	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
فرضیه اول	رشته مرتبط	۶۵	۴/۲۶	۰/۵۲	۱/۹۸۳	۲۰۰	۰/۰۴۹
	رشته یرمرتبط	۱۳۷	۴/۰۹	۰/۵۸			
فرضیه دوم	رشته مرتبط	۶۵	۴/۱۳	۰/۴۸	۲/۵۳۷	۱۹۷	۰/۰۱۲
	رشته غیرمرتبط	۱۳۴	۳/۹۴	۰/۵۱			
فرضیه سوم	رشته مرتبط	۶۵	۳/۶۰	۰/۷۷	۲/۲۱۱	۱۹۹	۰/۰۲۸
	رشته غیرمرتبط	۱۳۴	۳/۳۶	۰/۶۹			

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۲.۲. مقایسه دیدگاه پاسخگویان بر حسب روشهای تأمین مالی

جدول ۴ نشان می‌دهد بین دیدگاه مدیران تعاونیها در مورد فرضیه‌های تحقیق بر حسب استفاده از روشهای تأمین مالی (تسهیلات اعتباری، افزایش سرمایه اعضا، خرید اقساطی) به طور معنی‌داری تفاوت وجود دارد. مقایسه میانگینها نشان می‌دهد مدیرانی که در مورد شرکتهای دولتی قابل واگذاری تمایل دارند از روش خرید اقساطی منابع مالی تعاونی خود را تأمین کنند، دیدگاه مثبت‌تری در مورد هر سه فرضیه دارند.

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس فرضیه‌های تحقیق بر حسب روشهای تأمین مالی

سطح معنی‌داری	آماره F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع تغییرات	
					بین گروهی	درون گروهی
۰/۰۲۸	۳/۶۴۶	۱/۲۱۰	۲	۲/۴۲۱	بین گروهی	فرضیه اول
		۰/۳۳۲	۲۰۷	۶۸/۷۱	درون گروهی	
۰/۰۰۱	۱۶/۵۸۵	۳/۷۹	۲	۷/۵۸	بین گروهی	فرضیه دوم
		۰/۲۲۹	۲۰۳	۴۶/۳۹	درون گروهی	
۰/۰۰۴	۵/۶۳۱	۲/۷۸۳	۲	۵/۵۶	بین گروهی	فرضیه سوم
		۰/۴۹۴	۲۰۷	۱۰۲/۳۲	درون گروهی	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۳.۲. مقایسه دیدگاه پاسخگویان بر حسب میزان اطلاع از اصل ۴۴

جدول ۵ نشان می‌دهد بین دیدگاه مدیران تعاونیها در مورد فرضیه اول بر حسب میزان اطلاع آنان از اصل ۴۴ قانون اساسی تفاوت معنی‌داری در سطح ۵٪ وجود دارد. مقایسه میانگینها نشان می‌دهد مدیرانی که میزان اطلاع آنها از اصل ۴۴ زیاد می‌باشد، دیدگاه مثبت‌تری نسبت به فرضیه اول داشته‌اند.

جدول ۵. نتایج تحلیل واریانس فرضیه‌های تحقیق بر حسب میزان اطلاع از موضوع اصل ۴۴

سطح معنی‌داری	آماره F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع تغییرات	
					بین گروهی	درون گروهی
۰/۰۰۲	۴/۵۰۹	۱/۴۳	۴	۵/۷۵	بین گروهی	فرضیه اول
		۰/۳۱۹	۲۰۵	۶۵/۳۸	درون گروهی	
۰/۰۵۶	۲/۳۴۳	۰/۶۰۱	۴	۲/۴۰۴	بین گروهی	فرضیه دوم
		۰/۲۷	۲۰۱	۵۱/۵۶	درون گروهی	
۰/۵۱۲	۰/۸۲۳	۰/۴۲۶	۴	۱/۷۰۶	بین گروهی	فرضیه سوم
		۰/۵۱۸	۲۰۵	۱۰۶/۱۸	درون گروهی	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۴.۲. مقایسه دیدگاه پاسخگویان بر حسب بخش و نوع فعالیت تعاونی

نتایج تحلیل واریانس فرضیه‌های تحقیق بر حسب بخش و نوع فعالیت تعاونی (کشاورزی، صنعت، معدن، خدمات، مصرف، مسکن و سایر) در جدول ۶ نشان می‌دهد مدیرانی که در بخشهای مختلف فعالیت می‌کنند، دیدگاه یکسانی در مورد فرضیه‌های اول و دوم داشته‌اند، اما نظر آنان درباره فرضیه سوم بر حسب بخش فعالیت، دارای تفاوت معنی‌داری می‌باشد. مقایسه میانگینها از طریق آزمون کمترین تفاوت معنی‌دار نشان می‌دهد در مورد فرضیه سوم، مدیرانی که در بخش معدن فعالیت می‌کنند، از دیدگاه مثبت‌تری نسبت به مدیران سایر بخشها برخوردارند.

جدول ۶. نتایج تحلیل واریانس فرضیه‌های تحقیق بر حسب بخش فعالیت

سطح معنی‌داری	آماره F	میانگین مجدورات	درجه آزادی	مجموع مجدورات	منبع تغییرات	
					بین گروهی	درون گروهی
۰/۴۲۶	۱/۰۲۲	۰/۳۴۸	۱۰	۳/۴۷۵	بین گروهی	فرضیه اول
		۰/۳۴۰	۱۹۹	۶۷/۶۵۸	درون گروهی	
۰/۳۷۰	۱/۰۹۲	۰/۲۸۶	۱۰	۲/۸۶۳	بین گروهی	فرضیه دوم
		۰/۲۶۲	۱۹۵	۵۴۱/۱۰۹	درون گروهی	
۰/۰۰۶	۲/۵۹۱	۱/۲۴۳	۱۰	۱۲/۴۲۷	بین گروهی	فرضیه سوم
		۰/۴۸۰	۱۹۵	۹۵/۴۶۲	درون گروهی	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

عمده‌ترین یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های تحقیق مبین آن است که راهکارهایی از قبیل توانمندسازی تعاونیها برای رقابت با سایر بخشها، اولویتها و حمایتهای قانونی دولت از بخش تعاون برای تصدی طرحها و بنگاههای قابل واگذاری و ایجاد تعاونیهای منطقه‌ای و فراگیر در افزایش سهم بخش تعاون در خصوصی سازی مؤثر می‌باشند. با

توجه به نتایج پژوهش و مقایسه آماری نظر مدیران تعاونیهای مورد بررسی، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. دست اندرکاران مبحث خصوصی‌سازی و وزارت تعاون افراد دارای تحصیلات مرتبط با فعالیت تعاونی را در واگذاری طرحهای خصوصی‌سازی در اولویت قرار دهند.
۲. وزارت تعاون برای توانمندسازی تعاونیها، اقداماتی مانند گسترش ابزار و فناوریهای پیشرفته، امکانات تحقیق، پژوهش، آموزش و تأمین اعتبارات و رفع کمبود نقدینگی را در اولویت و دستور کار قرار دهد.
۳. به منظور حفظ و تداوم سودآوری شرکتهای واگذار شده به تعاونیها، علاوه بر لزوم توانمندسازی تعاونیها و استفاده از مدیران و نیروهای متخصص، لازم است حمایتهای دولت از جمله اعطای تسهیلات بدون مقررات دست و پاگیر، خرید تضمینی محصولات و خدمات شرکتهای واگذار شده نیز در دستور کار قرار گیرد.
۴. باتوجه به یافته‌های پژوهش، تعاونیهایی که در بخش معدن فعالیت می‌کنند نسبت به تشکیل تعاونیهای منطقه‌ای و فراگیر، واکنش بیشتری نشان داده‌اند و لذا پیشنهاد می‌گردد زمینه ایجاد چنین تعاونیهایی فراهم گردد.
۵. باتوجه به درصد بالای بی‌اطلاعی از موضوع اصل ۴۴ قانون اساسی در بین تعاونیها، اطلاع‌رسانی دقیق از طریق ادارات تعاونی و رسانه‌ها در اولویت قرار گیرد و حمایتهای قانونی دولت برای تعاونیها به اطلاع آنها رسانده شود تا تعاونیها با رغبت و انگیزه بیشتری برای مشارکت در امر خصوصی‌سازی و تصدی طرحها و بنگاه‌های قابل واگذاری اقدام نمایند.
۶. کارگروهی تخصصی مزیت‌های نسبی مناطق کشور را با استفاده از طرح آمایش سرزمین مشخص سازد و به تعاونیها برای فعالیت در آن زمینه، اعلام نماید.
۷. با ایجاد بانک اطلاعاتی جامع، امکانات و تواناییهای تعاونیهای فعال کشور ثبت گردد.

۸. شبکه‌ای از تعاونیها با تخصصهای گوناگون برای مشارکت در تصدی طرحهای زیربنایی برای رقابت با سایر بخشها ایجاد گردد.
۹. برای تأمین قسمتی از اعتبار مورد نیاز برای تصدی طرحهای قابل واگذاری از سود متعلقه اعضای تعاونیهای سهام عدالت استفاده گردد.
۱۰. برای افزایش سهم بخش تعاون در اقتصاد کلان، تعامل این بخش با سایر بخشها تقویت گردد و در طرحهای بزرگ وزیربنایی با آنان مشارکت داشته باشد.
۱۱. کارگروهی تخصصی زمینه‌های سرمایه‌گذاری و فعالیت در خصوصی‌سازی را شناسایی کند و به اطلاع تعاونیهای برساند که توانایی کافی برای انجام آن فعالیتها را دارند.

منابع

۱. رستم نژاد، غلامرضا (۱۳۸۴)، جایگاه ترویج در تحقق سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، ماهنامه تعاون، شماره ۱۶۸، ص ۵.
۲. کاظمی، موسی (۱۳۸۶)، تعاون نیازمند سرمایه فکری، ماهنامه تعاون، شماره ۱۸۹:۴.
۳. وزارت تعاون (۱۳۸۳)، اصول و اندیشه‌های تعاونی، انتشارات وزارت تعاون، تهران.
۴. وندرهوون، رولف و جورج سیراتسکی (۱۳۷۷)، درس‌هایی از خصوصی‌سازی، ترجمه دینی، سازمان برنامه و بودجه، تهران.

5. www.ipo.ir

6. www.icm.ir

7. www.irandoc.ac.ir

8. www.asl44news.ir